

روانشناسی خانواده

حضرت امام زین العابدین علیه السلام، ضمن بیان گوشه‌ای از زحمات طاقت فرسای مادر در مسیر در مسیر رشد و تربیت فرزند...



حضرت امام زین العابدین علیه السلام، ضمن بیان گوشه‌ای از زحمات طاقت فرسای مادر در مسیر در مسیر رشد و تربیت فرزند، می‌فرمایند: هرگز کسی را به تنهایی یاری سپاس و تقدیر از مادر نیست، مگر اینکه از خداوند مدد جوید و از او توفیق انجام دادن این وظیفه را بطلبید. در باره این سوال که آیا اشتغال مادران در خارج از خانه سازنده است یا زیان آور، جواب قطعی و روشنی نمی‌توان داد. میزان تأثیر اشتغال مادران شاغل بر فرزندان رابطه نزدیکی با ویژگی‌ها، نگرش‌های اجتماعی، شرایط موجود در خانه و اجتماع، جنس و سن کودک، و نیز علت اشتغال مادر دارد. در مجموع می‌توان گفت اشتغال تمام وقت مادران، به طور قطع تأثیرات نامطلوبی در رشد کودک به ویژه رشد عاطفی او برجای می‌گذارد.

خانه داری مادران نیز هنگامی می‌تواند روش تضمین شده‌ای برای تربیت سالم و شایسته کودک به حساب آید که مادران در محیط خانه رابطه خویش را با کودک حفظ کنند و نسبت به امور تربیتی آنها اهتمام ورزند. اینکه برخی از روایات بافندگی را به عنوان بهترین شغل و سرگرمی برای زنان معرفی کرده اند، شاید به این دلیل باشد که بافندگی شغل آرام و کم در دسر و متناسب با روحیه زندگی است و معمولاً انجام دادن آن در محیط خانه و در کنار فرزندان میسر است. خواهر و برادر بعد از والدین در شخصیت و رفتارهای اجتماعی یکدیگر بیشترین تأثیر را دارند، بخصوص اگر در سنین ۲ تا ۱۰ سالگی باشند. در روابط خواهر و برادر احتمال یادگیری کودک از الگوهای رفتاری چون وفاداری، حمایت، اختلاف، تسلط جویی و رقابت زیاد است. در روایات اسلامی در مواردی خواهران و برادران عامل زداینده غم و اندوه یکدیگر دانسته شده و در مواردی، هنگام اندوه و بلا، یاور و پشتیبان هم و به هنگام خوشی و آسایش، زینت یکدیگر معرفی شده اند. قابل ذکر است که در بیشتر موارد برادر نسبت به برادر و خواهر نسبت به خواهر روابط دوستانه تری دارد تا برادر نسبت به خواهر و یا بعکس. ترتیب تولد: فرزند نیز از عواملی است که در روند رشد اجتماعی کودک تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، کودک اول خانواده، مزایا و نیز کمبودهایی دارد که در کودکان بعدی مشاهده نمی‌شود. در مجموع، فرزندان بعدی از مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای دوستانه بیشتری برخوردارند و بنابراین محبوبیت زیادتری را در میان همسالان خود کسب می‌کنند و علاوه بر ارتباط با والدین، با برادران و خواهران خود نیز ارتباط مثبت دارند و بهتر می‌توانند آنها را معلم و راهنمای خویش قرار داده، از آنها تقلید کنند. فاصله سنی فرزندان نیز از نکات حایز اهمیت است. بر اساس مطالعاتی که توسط زاژونک و مارکوس انجام پذیرفت، وقتی فاصله سنی کودکان بین یک تا دو سال باشد، بهره هوشی آنها کمتر از مواردی خواهد بود که فاصله سنی آنها چهار یا پنج سال است. بیش

غالباً از فرزند ارشد انتظار می‌رود مسئولیت خواهر و برادر کوچک‌تر را که جانشین او شده است بپذیرد و خویشتن دار باشد. قدرتمندی و زور گویی فرزند ارشد برای فرزندان کوچک‌تر قابل قبول است و آنها این قدرتمندی را می‌پذیرند؛ زیرا در بیشتر اوقات به حال آنان مفید است. رفتارهای متقابل معمولاً از جانب خواهر و برادر بزرگ‌تر نسبت به کوچک‌ترها یا مشاهده نمی‌شود و یا بسیار کم است. به علاوه آنان نسبت به فعالیت‌های کوچک‌ترها علاقه چندانی نشان نمی‌دهند، مگر اینکه به کار خودشان مربوط شود. با افزایش تعداد اعضای خانواده فرصت ارتباط والدین با کودک به میزان زیادی تقلیل می‌یابد و نگرش والدین در مورد پرورش کودک و شرایطی که کودک در آن پرورش می‌یابد، تغییر می‌کند. همچنین مشکلات اقتصادی ناشی از زیادی جمعیت برای برخی از خانواده‌ها باعث می‌شود که فشار روانی در درون خانواده بروز کند و آثار سوئی بر فرزندان بگذارد. فرزند یگانه به سبب ارتباط مستقیم و نزدیک با والدین رشد ذهنی خوبی دارد و چه بسا همچون فرزند اول به پیشرفتهای شایان توجهی نائل شود. اگر والدین فرصت لازم را برای معاشرت با همسالان و دیگران به فرزند یگانه خود ندهند و نیز توجه و اضطراب بیش از حد به فرزندشان داشته باشند، باعث خواهند شد که زمینه ناهنجاریهایی در رشد اجتماعی و شخصیتی فرزند یگانه به وجود آید. نقش الگوهای تربیتی در رشد کودکان: بامریند خانواده را به سه نوع کلی دسته بندی کرده است: ۱) والدین (خانواده) سهل گیر: از ویژگی‌های خانواده سهل گیر بی توجهی به آموزش رفتارهای اجتماعی است. گرچه کودکان خانواده‌های سهل گیر دارای استقلال فکری و عملی هستند، به سبب هرج و مرج، نوعی تزلزل روحی در اینگونه خانواده‌ها به چشم می‌خورد؛ زیرا هر کس به منافع خود توجه دارد نه به منافع عمومی خانواده، و همین تزلزل باعث بی بند و باری کودکان شده، باعث می‌شود آنان نسبت به زندگی احساس مسئولیت نکنند. یکی از اساسی‌ترین مبانی رفتار انسانی از نظر دین مقدس اسلام، برقراری اعتدال در برنامه‌های زندگی است. امام باقر (ع) فرموده اند: [171#&](#) بدترین پدران کسانی هستند که در نیکی کردن به فرزند زیاده روی کنند؛ بنابراین اگر سهل گیری نوعی انحراف تربیتی است و در آینده کودک آثار روانی منفی خواهد داشت. ۲) والدین (خانواده) سختگیر: در خانواده‌های مستبد بر قدرت والدین بیش از اندازه تأکید می‌شود. فرد مستبد که غالباً پدر است، تصمیم گیرنده و تعیین کننده وظایف دیگر اعضای خانواده است. فرزندان اینگونه خانواده‌ها کمتر به خود متکی بوده، خلاقیت کمی دارند و از اینکه بخواهند در چنین محیطی ادعای حق کنند هراس دارند. تربیت والدین مستبد و سختگیر، در پسران

نتایج منفی دراز مدت بیشتری برجای می‌گذارد تا در دختران. حضرت علی (ع) فرموده اند : «آداب و رسوم خود را بر فرزندان به زور تحمیل نکنید؛ چرا که آنها برای زمانی غیر زمان شما خلق شده اند«. (raquo; والدین (خانواده) مقتدر: اینگونه خانواده‌ها کودک را به شیوه‌ای که در نظر او اطمینان بخش و قاطع است آزاد می‌گذارند و فرزند به استقلال و آزادی فکری تشویق می‌شود، در حالی که نوعی محدودیت و کنترل از طرف والدین بر او اعمال می‌شود. از ویژگی‌های این خانواده، انضباط توأم با رفتار خود مختارانه است. خلاصه‌ای از اساس کار این خانواده چنین است: ۱- همه افراد خانواده قابل احترامند؛ ۲- اعضای خانواده صلاحیت اظهار نظر درباره مسائل و مشکلات مربوط به خود را دارند؛ ۳- همه افراد خانواده در تصمیماتی که در باره آنها اتخاذ می‌شود و یا کاری که به آنها مربوط است حق دخالت دارند و در تصمیم‌گیریها عاقلانه انجام وظیفه می‌کنند؛ ۴- نوعی روش عقلایی در کلیه شئون زندگی این خانواده دیده می‌شود؛ ۵- اساس این نوع زندگی بر همکاری و همیاری است. این الگو نزدیکترین الگو و روش تربیتی به دستورات تربیتی اسلام است .

برگرفته از سایت: افلاطون